

The Impact of the Purity of Narcotics and Psychotropic Substances on Iran's Criminal Justice Policy

Mojtaba Zare*

PhD Candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Crime Prevention and Rehabilitation, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Farid Mohseni

Professor of Criminal Law and Criminology,, Faculty of Crime Prevention and Rehabilitation, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Abstract

One of the fundamental criteria in determining penalties for drug-related offenses is the weight of the substances. Given various factors, narcotic and psychotropic substances available in the country are often impure and mixed with additives outside the standard processing of these substances. In this regard, a fundamental question arises: at the stage of determining responses to drug-related offenses, is it necessary to determine the purity of these substances?

In Iran's judicial system, two distinct approaches are observed on this matter. The dominant judicial criminal policy in prosecutor's offices and Islamic Revolutionary Courts adopts a security-oriented interpretation. This approach, based on a conventional understanding of the meaning of narcotics and its broad interpretation, excessive reliance on law enforcement reports, the supremacy of public interest over individual rights, and a text-centric view of the law, holds that determining the purity of narcotics is unnecessary for imposing criminal sanctions.

In contrast, there is an expediency-oriented approach. This interpretive perspective, reflected in some rulings of the Supreme Court, including the General Assembly of the Criminal Chambers, relies on the principle of caution in matters of life, legal standards, and the principle of *dar'a* (avoiding punishment in case of doubt), restrictive interpretation of criminal law, and a justice-oriented reading of the law.

This approach advocates for determining punishment based on the purity of the narcotic substances. In the present study, through an analytical-descriptive method, while examining and evaluating the two aforementioned approaches concerning the concept of narcotic substances and their reasoning, it is concluded that the security-oriented approach, given its relied-upon evidence, leads to judicial legislation. However, the expediency-oriented interpretation is more realistic and consistent with the principles of criminal law interpretation. Based on this, it is necessary for the legislator to revise the criteria for determining responses in the Anti-Narcotics Law and establish a precise and fair basis, in addition to the weight of the substances, for assessing the culpability and deservingness of punishment for the offender.

Keyword: Drugs and psychotropic substances, judicial criminal policy, determination of purity, interpretation, security-oriented and expediency-oriented approach.

* **Email:** Mojtaba.zare.exp@gmail.com (Corresponding Author)



تأثیر خلوص مواد مخدر و روان گردان در سیاست جنایی قضائی ایران

مجتبی زارع | دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و تربیت، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.
فرید محسنی | استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

یکی از معیارهای اساسی در تعیین کیفر در جرائم مواد مخدر براساس قانون مبارزه با مواد مخدر، میزان وزن این مواد است. نظر به عوامل گوناگون، مواد مخدر و روان گردانی که در کشور وجود دارد دارای ناخالصی و آمیخته با افزودنی‌هایی خارج از روند فرآوری این مواد است. در این خصوص، این پرسش بنیادین مطرح است که در مرحله پاسخ‌گزینی در جرائم مواد مخدر، آیا ضرورتی بر تعیین خلوص (=اختلاط) این مواد است؟ درباره این امر در نظام عدالت قضائی ایران دو رویکرد مشاهده می‌شود. سیاست جنایی قضائی غالب در دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی، خوانشی امنیت‌گرا در این زمینه دارد. این رویکرد با ابتدای بر فهم عرفی از معنای ماده مخدر و تفسیر موسع آن، اتکای مفرط بر گزارش ضابطان، تفوق مصلحت عمومی بر حقوق فردی و نگاه نص‌محور به قانون، عقیده به عدم لزوم تعیین خلوص مواد مخدر برای اتخاذ واکنش کیفری دارد. در مقابل، رویکرد مصلحت‌گراست. این نگرش تفسیری که در برخی از آرای دیوان عالی کشور، ازجمله هیئت عمومی شعب کیفری منعکس است با تمسک بر اصل احتیاط در دماء، موازین قانونی، قواعد درأ و تفسیر محدود قانون کیفری و خوانش عدالت‌محور از قانون، معتقد به

تعیین کیفر براساس میزان خلوص مواد مخدر است. در پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی ضمن بررسی و سنجش دو رویکرد فوق نسبت به مفهوم ماده مخدر و دلایل آن‌ها، این نتیجه حاصل شده است که نگرش امنیت گرا با توجه به ادله مدنظر، به قانون گذاری قضائی منجر می شود، اما برداشت مصلحت گرا، واقع بینانه و مطابق با اصول تفسیر قانون کیفری است. بر این بنیاد، ضرورت دارد قانون گذار در معیارهای پاسخ گذاری در قانون مبارزه با مواد مخدر تجدیدنظر کند و مبنای دقیق و عادلانه‌ای، علاوه بر وزن مواد، برای سنجش میزان سرزنش پذیری و استحقاق کیفر مرتکب مقرر سازد.

واژگان کلیدی: مواد مخدر و روان گردان، سیاست جنایی قضائی، تعیین خلوص، تفسیر، رویکرد امنیت گرا و مصلحت گرا.

مقدمه

مشخص شدن موضوع جرم در تمامی جرائم، مهم و اثرگذار است؛ به گونه‌ای که کیفیت و میزان پاسخ کیفری و مسائل مربوط به آن را سامان می دهد. تعیین موضوع جرم در جرائم مواد مخدر اهمیت دوچندان دارد، زیرا در صورت شمول ماده‌ای به عنوان ماده مخدر یا روان گردان^۱، که نام آن در تصویب نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ یا تصویب نامه راجع به فهرست های چهارگانه اقلام به روز شده مواد روان گردان مصوب ۱۳/۹/۱۳۸۴ هیئت وزیران ذکر شده باشد، رفتارهای ارتكابی راجع به آن ماده مخدر یا روان گردان به عنوان یکی از جرائم مندرج در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/۸/۸

۱. طبق تبصره ۲ ماده ۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، مواد روان گردان های صنعتی غیردارویی مشمول احکام این قانون هستند، اما سایر روان گردان ها با وجود اینکه براساس بند الف ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۱ در دادگاه انقلاب رسیدگی می شوند، اما پاسخ دهی به این جرائم بایستی براساس قانون مربوط به مواد روان گردان (پیسکوتروپ) مصوب ۱۳۵۳/۲/۸ انجام گیرد. در این پژوهش مقصود از مواد روان گردان، روان گردان های صنعتی غیردارویی مانند آمفتامین و متامفتامین (=شیشه) است که در فهرست های چهارگانه اقلام به روز شده مواد روان گردان مصوب ۱۳۸۳/۹/۱۳ ذکر شده است.

۱۳۶۷ با اصلاحیه‌ها و الحاقیه‌های بعدی^۱ محسوب می‌شود و قابل مجازات است. در غیر این صورت، موضوع از حکم قانون کیفری خارج است و چه‌بسا رفتارهای ارتكابی درمورد آن مباح و فاقد وصف کیفری قلمداد شود.

پاسخ به نقض هنجارهای کیفری در قبال مواد مخدر به‌خصوص در حوزه عرضه این مواد^۲ در قانون مبارزه با مواد مخدر مبتنی بر معیار نوع و میزان ماده مخدر یا روان گردان و چگونگی ارتكاب رفتار، بنا شده است. به بیان دیگر، پاسخ‌گذاری در زمینه جرائم مواد مخدر و گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار که بر پایه معیار بزه، افتراقی‌سازی شده است^۳، ابتدا نیازمند مشخص شدن موضوع آن است. پس از مشخص شدن موضوع این جرائم که شامل بنگ، چرس، گراس، تریاک، حشیش و مشتقات آن‌ها براساس ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر از یک سو و هروئین، کوکائین و مرفین و دیگر مشتقات آن‌ها و مواد روان گردان مطابق ماده ۸ این قانون، از سوی دیگر است، بایستی میزان آن ماده معین شود؛ سپس براساس چگونگی رفتار ارتكابی در قانون مبارزه با مواد مخدر به‌خصوص مواد ۴، ۵ و ۸ پاسخ کیفری تعیین شود. این رویکرد که پیشینه تاریخی در گفتمان سیاست جنایی

۱. قانون مبارزه با مواد مخدر در تاریخ ۱۳۶۷/۸/۳ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است و پس از آن در تاریخ‌های ۱۳۷۶/۸/۱۷، ۱۳۸۰/۸/۲۶، ۱۳۸۹/۵/۹ توسط همین مجمع اصلاح شده و موادی به آن الحاق شده است. در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۲ مطابق قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر با تصویب مجلس شورای اسلامی، ماده ۴۵ به این قانون الحاق شده است. برای اختصار در بیان در این مقاله از عبارت «قانون مبارزه با مواد مخدر» استفاده شده است.

۲. در رابطه با مواد اعتیادآور دو رویکرد اساسی وجود دارد؛ رویکرد اول مربوط به اقدامات کاهش عرضه (supply reduction) این مواد است که هدف آن، توقف یا کاهش تولید، جابه‌جایی و توزیع مواد مخدر است و دارای ماهیتی حقوقی است. رویکرد دوم راجع به کاهش تقاضا (demand reduction) است که تمامی اقدامات از پیشگیری تا درمان سوءمصرف مواد را شامل می‌شود و عمدتاً دارای طبعی پزشکی-فرهنگی است (ر.ک. مدنی قهفرخی، ۱۴۰۰: ۸۱).

۳. درباره معیارهای افتراقی‌سازی سیاست جنایی و انواع آن ر.ک. نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱: ۵۹-۶۱.

تقنینی ایران در حوزه جرائم مواد مخدر دارد^۱، مبتنی بر کارکرد اربعایی مجازات به علت انگاره حساب‌گری در انسان است؛ به گونه‌ای که میزان خطرناکی و سرزنش‌پذیری رفتار مرتکب و در نتیجه میزان و تناسب پاسخ کیفری براساس معیارهای سه‌گانه ذکر شده و به‌خصوص میزان ماده مخدر و روان‌گردان لحاظ شده است.

یکی از مسائلی که در مرحله تعیین پاسخ در جرائم مواد مخدر در حقوق کیفری ایران مطرح است و موجب اختلاف برداشت نزد مراجع قضائی شده، ضرورت تعیین یا عدم تعیین خلوص مواد مخدر یا روان‌گردان است. با توجه به عوامل مختلف همچون ممنوعیت مصرف مواد مخدر و روان‌گردان در ایران، متوازن نبودن قدرت خرید مصرف‌کنندگان این مواد با قیمت آن در بازار مصرف، مهارت متفاوت تولیدکنندگان در شرایط تولید به‌خصوص در مورد مواد روان‌گردان و مهم‌تر از همه سودجویی افراد فعال در این زمینه به سبب افزایش وزن مواد و کنترل بازار مصرف^۲، بیشتر مواد مخدر و روان‌گردانی که مورد مصرف قرار می‌گیرد دارای ناخالصی هستند^۳، البته ترکیباتی که به‌عنوان ناخالصی در مواد مخدر و روان‌گردان وجود دارد بسیار متنوع است و تا حدود زیادی بستگی به نوع ماده

۱. در این زمینه می‌توان به مواد ۴، ۵ و ۷ لایحه قانونی راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸/۳/۳۱ با اصلاحیه‌ها و الحاقیه‌های بعدی و مواد ۶ و ۷ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به‌منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان مصوب ۱۳۵۹/۳ شورای انقلاب اشاره کرد.

۲. سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر یکی از علل اصلی پایین بودن قیمت مواد مخدر در برخی از نقاط کشور را کم کردن خلوص مواد مخدر توسط فروشندگان اعلام کرده تا از این طریق بازار مصرف این مواد کنترل شود (ر.ک. isna.ir/news شماره خبر ۱۵۴۹/۲۰۳۰/۹۷۰).

۳. این موضوع توسط رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر فرماندهی انتظامی کل کشور در جلسه هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور بیان شده است. این مقام، به وجود ناخالصی در بازار مصرف مواد مخدر در ایران به‌خصوص در سطح خرده‌فروشی این مواد و افزودن مواد خارجی مانند قرص‌های کدئین‌دار، قیر و خون ذبح حیوانات برای افزایش حجم مواد مخدر اشاره و تصریح کرده که مصرف این مواد مخاطرات جدی برای مصرف‌کنندگان دارد و باعث ورود و مرگ‌های ناهنگام می‌شود (ر.ک. مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۹۵/۲: ۱۰۸۳ - ۱۰۸۴).

مخدر، شکل فیزیکی، نحوه مصرف و محل تولید مواد مخدر دارد (ر.ک. سطلانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۷۷). هر چند برخی نویسندگان موضوع تعیین خلوص مواد مخدر را تنها ناظر به اختلاط فیزیکی، آن هم در صورت ادعای متهم، قابل طرح و بررسی دانسته‌اند (ر.ک. ذبحی، ۱۴۰۰: ۱۲۱)، اما به نظر می‌رسد مفهوم تعیین خلوص مواد مخدر، فراتر از این امر است و مقصود از آن همراه بودن هر نوع ماده‌ای با ماده مخدر یا روان گردانی است که ارتباطی با فرایند تولید طبیعی یا صنعتی این مواد ندارد و به آن‌ها خارج از این روند اضافه شده است. در این ارتباط، فرقی نمی‌کند افزودنی‌ها و ناخالصی‌های موجود در این مواد ناشی از فقدان مهارت و تجربه تولیدکنندگان در استحصال و تولید این مواد است یا ناشی از اختلاط با افزودنی‌هایی مانند آب، خاک رس، خاکستر، نشاسته، فلزات سنگین مانند آرسنیک و ... یا افزودنی‌های شیمیایی یا دارویی مانند کافئین و استامینوفن.

در هر حال، از یک سو کنشگران عرضه مواد مخدر و روان گردان با روش‌ها و شیوه‌های مختلف، سعی در افزایش وزن این مواد با افزودن سایر مواد دیگر که ممکن است فاقد وصف مجرمانه باشد، دارند. از سوی دیگر، کیفیت پیش‌سازهای تولید این مواد، شرایط آزمایشگاه، لابراتور و تجهیزات مربوط و تکنیک فنی عامل انسانی باعث شده است که به‌طور معمول ماده مخدر و روان گردان مورد مصرف در کشور دارای ناخالصی باشد.^۱ بر این اساس، آنچه که باعث اختلاف نظر در رسیدگی‌های قضائی شده، این امر است که در زمان تعیین پاسخ کیفری، آیا میزان این مواد بدون در نظر گرفتن افزودنی‌ها و ناخالصی‌ها مبنای پاسخ‌گذاری قرار گیرد یا میزان معمول این مواد با لحاظ ناخالصی‌های موجود؟ به‌خصوص آنکه دادگاه برای تعیین پاسخ درباره جرائم ارتكابی در حوزه عرضه مواد مخدر و روان گردان باید براساس «تناسب و با توجه به مقدار مواد» مبادرت به تعیین کیفر درباره رفتارهای دوازده گانه مقرر در مواد ۴، ۵ و ۸ قانون مبارزه با

۱. در پژوهشی درمورد هروئین‌هایی که به‌طور ترانزیت شده و خرده‌فروشی در داخل کشور کشف شده‌اند از نظر ناخالصی دارویی، از صد نمونه هروئین آنالیز شده، ۵۳ نمونه دارای استامینوفن و کافئین و ۴۷ نمونه دارای کافئین بوده‌اند (در این خصوص ر.ک. شکوهی راد و باهری، ۱۳۹۸: ۱۱۹).

مواد مخدر بنماید.^۱ آنچه تحلیل موضوع حاضر را دارای اهمیت می‌کند، نبود تصریح قانونی در حال حاضر راجع به لزوم یا عدم لزوم تعیین خلوص مواد مخدر، برخلاف صراحت قانونی در سابق است.^۲

با وجود اهمیت و بحث‌برانگیز بودن ضرورت تعیین یا عدم تعیین خلوص ماده مخدر یا روان‌گردان در رسیدگی به جرائم مواد مخدر، پژوهش قابل توجهی که به واکاوی این امر در قالب سیاست جنایی قضائی اختصاص یافته باشد، انجام نشده است. تنها یکی از نویسندگان در شرح قانون مبارزه با مواد مخدر و نقد آرای قضائی، به علل ضروری نبودن تعیین خلوص، و رویه قضائی غالب در این زمینه پرداخته است (ر.ک. ذبحی، ۱۴۰۳: ۹۹-۱۲۵؛ همان، ۱۴۰۰: ۱۰۹-۱۵۹). همچنین در یک مقاله، ضرورت تعیین میزان خلوص مواد مخدر برای تعیین مجازات، از نظر علمی و با دلایل مرتبط بررسی شده است (زراعت و صفری، ۱۳۹۱: ۱۹۷-۲۱۳). حال این پژوهش با تمرکز بر تفسیر مراجع قضائی در این خصوص، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال‌هاست: ۱. از نظر مراجع قضائی ضرورتی به خلوص‌گیری (=تعیین درصد یا میزان ماده مخدر یا روان‌گردان اصلی در ماده موضوع اتهام) در زمان رسیدگی و تعیین کیفر وجود دارد؟ ۲. سیاست جنایی مراجع قضائی در رابطه با تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر چگونه است؟ ۳. آیا در نوع خوانش قاضیان مراجع تالی و عالی مشابهت وجود دارد؟ در صورت تفاوت، علت و مبانی آن چیست؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها، در گام نخست پس از تبیین مفهوم سیاست جنایی قضائی، رویه مراجع قضائی تالی و عالی و دلایل هر یک بررسی خواهد شد و در پایان نیز نتیجه مطالب بیان می‌شود.

۱. در رابطه با ضرورت تعیین کیفر متناسب با وزن مواد مخدر و روان‌گردان ر.ک. رأی شماره ۲۸-۱۳۹۸/۹/۵ هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور مندرج در مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور / ۲: ۹۳۲).

۲. ماده ۱۰ لایحه قانون راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال مواد تریاک مصوب ۱۳۳۸/۰۳/۳۱ با اصلاحیه‌ها و الحاقیه‌های بعدی: «مواد مخدره مذکور در این قانون ولو آنکه مخلوط با مواد دیگری باشد از نظر مجازات خالص محسوب می‌شود».

۱. سیاست جنایی قضائی

سیاست جنایی از یک منظر به دو گونه نظری و عملی تقسیم می‌شود. سیاست جنایی نظری، دانش تدوین و طرح‌ریزی علمی پاسخ‌دهی به جرم و کژروی است. سیاست جنایی عملی، دانش شناسایی و ارزیابی علمی سامانه پاسخ‌دهی جنایی اجرا شده یا در حال اجرا در محدوده زمانی و مکانی است (ایروانیان، ۱۳۸۸: ۷۳). سیاست جنایی قضائی به‌عنوان یکی از لایه‌های سیاست جنایی عملی، طرز تلقی و خوانش قاضیان دادرها و دادگاه‌ها از قوانین کیفری است (نجفی، ۱۴۰۱: ۲۱). به بیان دیگر، سیاست جنایی قضائی در معنا و مفهوم دقیق در گستره سیاست جنایی به مرحله کیفرگزینی - پاسخ‌گزینی موسوم است (شاملو، ۱۴۰۳: ۶۶). مقصود از آن نیز درک و تفسیر مراجع قضائی از جرم و پاسخ اتخاذ شده در قبال آن و به‌طور کلی به معنای توصیف و تجزیه و تحلیل سامانه پاسخ‌دهی قضائی به جرم است. این عبارت در دو معنای مضیق و موسع مورد استفاده و بررسی قرار گرفته است. منظور از معنای مضیق آن، چگونگی دریافت و اجرای قانون کیفری توسط دادرس (=قاضی) است که در قالب تصمیم‌های مراجع قضائی و آرای دادگاه‌ها جلوه‌گر می‌شود (ر.ک. لازرژ، ۱۴۰۱: ۱۵۳ و محسنی، ۱۴۰۰: ۷۶). سیاست جنایی قضائی در این معنا، رویه عملی (=سابقه) دادرها و دادگاه‌ها به هنگام استنباط و استناد به مواد قانونی است. سیاست جنایی قضائی در معنای موسع، علاوه بر معنای مضیق، شامل مقرره‌های فروتقنینی (=بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها) صادر شده از سوی مقام‌های قضائی، از جمله عالی‌ترین آن‌ها نیز می‌شود.^۱

۱. در پژوهش حاضر مفهوم مضیق سیاست جنایی قضائی مورد نظر است تا برداشت و تفسیر دادرها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی و دیوان عالی کشور درباره ضرورت یا عدم ضرورت تعیین خلوص مواد مخدر و روان‌گردان مورد بررسی قرار گیرد. گفتنی است در بازنگری برنامه درسی مقطع دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی مصوب ۱۴۰۲/۴/۲۵ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی، سیاست جنایی قضائی در معنای آراء، تصمیم‌ها و قرارهای دادگاه‌ها و دادرها و مقایسه آن‌ها با قوانین یا مواد مورد استناد، بررسی بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های رؤسای قوه قضائیه و بررسی آرای وحدت رویه آمده است.

یکی از مؤلفه‌های اساسی در سیاست جنایی قضائی، فهم شخصی دادرس درباره نقش و وظیفه وی در نظام حقوقی، ماهیت و فلسفه وجودی قوانین و نگرش وی در تفسیر قوانین است. بر این اساس، اگر دادرس بدون توجه به کارکرد اجتماعی قانون و نقشش در معناگزینی آن، خود را به تفسیر قانون از طریق ابزارهای لفظی محدود نماید و مطابق آن تصمیم‌گیری کند، به مثابه یک ماشین حقوقی طبق قواعد مکانیک منطقی عمل کرده است. اما چنانچه حقوق و قواعد آن را وسیله‌ای بشناسد برای تحقق عدالت و انصاف به جای آنکه خود را به الفاظ و عبارات قانون محدود کند با تفسیر عدالت‌محور از قوانین، امنیت قضائی شهروندان را موجب خواهد شد. البته روشن است فلسفه و طرز تلقی مقام قضائی راجع به مقرره‌های گوناگون فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی ارتباط مستقیم با تعلیم و تربیت حقوقی او دارد؛ این امر نیز تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی قاضی و عوامل فرهنگی و اجتماعی مانند سطح تحصیلات و ایدئولوژی خاص وی است (ر.ک. صانعی، ۱۴۰۰: ۲۵۲، ۴۲۰). همین عوامل نیز باعث برداشت و تفسیر متفاوت از قوانین می‌شود؛ به نحوی که غالب تصمیم‌های قضائی که براساس درک معمول از حقایق پرونده و قانون، آرای بر خلاف قانون شناخته می‌شود، ناشی از مقاومت قاضی صادرکننده رأی در برابر قانون نیست، بلکه حاصل برداشت شخصی او از حقایق پرونده و معنای قانون است (کیوانفر، ۱۴۰۰: ۱۵۳).

با بررسی سیاست جنایی قضائی ایران درباره پاسخ‌گزینی^۱ در جرائم مواد مخدر در رابطه با لزوم یا عدم لزوم خلوص مواد مخدر و روان‌گردان دو رویکرد تفسیری امنیت‌گرا و مصلحت‌گرا مطرح است که در ادامه به بررسی هر یک از این رویکردها و مبانی آنها پرداخته خواهد شد.

۱. منظور از پاسخ‌گزینی (= response) یا کیفر قضائی به عنوان یکی از گونه‌های گوناگون پاسخ به جرم، پاسخ پسینی به جرم است که دارای وصف صدمه یا درد و رنج است و در نتیجه طی یک فرایند قانونی از طرف مرجع رسمی و حاکمیتی درمورد شخصی که مرتکب رفتار مجرمانه شده است، به نحو آگاهانه تحمیل می‌شود (درخصوص مفهوم پاسخ به جرم ر.ک. غلامی، ۱۳۹۶: ۴۱، ۴۵).

۲. رویکرد امنیت گرا

یکی از گرایش‌هایی که در عرصه سیاست جنایی مشاهده می‌شود گفت‌وگو امنیت‌گرایی است. در این رویکرد، تضمین امنیت جامعه و حفظ نظم عمومی حاکم، هدف اصلی جهت‌گیری‌های مختلف سیاست جنایی است. در این گرایش، نگاه به مرتکب جرم مبتنی بر حالت خطرناکی است که برای موجودیت جامعه دارد؛ در نتیجه اندیشه حاکم بر کارگزاران نظام عدالت کیفری برای مدیریت و کنترل ارتکاب جرم در جامعه برای نیل به امنیت و حفظ نظم عمومی جامعه، متکی بر پاسخ‌های سخت‌گیرانه است. حفظ امنیت در این دیدگاه تا آنجا اهمیت دارد که حتی مرتکبان جرائم به‌عنوان دشمن جامعه محسوب می‌شوند و در برخی موارد شایسته اخراج از اجتماع برای خنثی شدن حالت خطرناکشان هستند. این رویکرد با تأثیر بر خوانش‌های مجریان قضائی سیاست جنایی در مقام استنباط و تفسیر از مواد قانونی، در مقام ارزیابی و گزینش ارزش‌ها موجب می‌شود تأمین امنیت جامعه، مبارزه با بزهکاری و حفظ نظم جاری، مقدم بر هر هدفی باشد. درواقع آرمان اصلی در این رویکرد سرکوب و سزادهی بزه‌کار و تضمین حداکثری امنیت است.^۱

با استقراء در آراء و تصمیم‌های قضائی در نظام عدالت قضائی ایران، رویه غالب در مراجع قضائی، دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی، گرایش بر عدم لزوم تعیین خلوص مواد مخدر و روان گردان، برای تعیین کیفر دارد. در این رابطه برای نمونه می‌توان به دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۸۱۳۰۰۴۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی قزوین، دادنامه شماره ۱۴۴/۴/۹۳/۴۴۰۱۱۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۵ و دادنامه شماره ۱۴۴/۴/۹۴/۴۴۰۰۴۸۹ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۰ شعبه چهارم دادگاه انقلاب اسلامی کرج اشاره کرد.^۲ اعتقاد به این رویکرد تا آنجاست که با وجود نقض آرای ذکرشده در مرحله فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور و اعلام شعبه رسیدگی کننده در دیوان به ضرورت تعیین کیفر براساس میزان خالص مواد مخدر و روان گردان به شعب هم‌عرض، براساس

۱. درباره علل امنیت‌گرایی در سیاست جنایی و ویژگی‌های آن ر.ک. قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۳۹-۶۷.

۲. ر.ک. مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۹۵، جلد اول: ۷۱۷. جلد دوم: ۱۰۵۵ و

دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۲۵۳۰۲۲۰۰ مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۹ شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی قزوین، دادنامه‌های ۹۵۰۹۹۷۲۶۶۴۱۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۳/۱۲ و ۹۴۰۹۹۷۲۶۶۴۱۰۱۲۰۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۰ شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی کرج، این شعب از پذیرش نظر شعبه دیوان عالی کشور خودداری کرده‌اند و عقیده بر تعیین پاسخ براساس میزان کشف شده و نه، خالص مواد داشته‌اند.^۱

۲-۱. بررسی و ارزیابی ادله

در ارتباط با برداشت امنیت گرایانه از مفهوم ماده مخدر و روان گردان در تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر ادله زیر قابل توجه است که به بررسی و ارزیابی هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱. خوانش عرفی از مفهوم مواد مخدر و روان گردان

از ادله اصلی در رویکرد امنیت گرایانه درباره ضروری نبودن تعیین درصد خلوص مواد مخدر و روان گردان در تفسیر از تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر، خوانش عرفی از مفهوم این مواد است. بر این اساس، مفهوم ماده مخدر و روان گردان مقرر در این قانون، محمول بر معنای عرفی آن تفسیر شده است. این استنباط مبتنی بر واقعیت موجود در پرونده‌های جرائم مواد مخدر است، زیرا به عللی که در مقدمه اشاره شد و در آزمایش‌های انجام شده توسط مراکز رسمی از جمله پزشکی قانونی و آزمایشگاه تخصصی پلیس، نیز اثبات شده، مواد مخدر و روان گردان صد درصد خالص، به خصوص در سطح خرده‌فروشی، در بازار ایران وجود ندارد و دارای درصدهای مختلفی از خلوص است.

براساس این برداشت، از آن جایی که در تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر تصریحی به الزام، در تعیین خلوص مواد مخدر و روان گردان نشده و در تبصره ماده ۳ قانون مربوط به مواد روان گردان نیز، مبنای قابلیت مصرف، لحاظ شده است، بنابراین ضرورتی به تعیین خلوص برای پاسخ‌دهی به جرائم مواد مخدر نیست. درواقع هر ماده

۱. ر.ک. همان، جلد اول: ۷۱۸. جلد دوم: ۱۰۵۶ و ۱۳۱۲.

مخدر یا روان گردان، قطع نظر از میزان خلوص آن، به همین اندازه که دارای قابلیت مصرف باشد و صدق عرفی بر آن شود به عنوان ماده مخدر یا روان گردان موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر محسوب می شود. میزان خطرناکی و سرزنش پذیری رفتار افرادی که این مواد را با سایر مواد دیگر مخلوط می کنند تا وزن آن ها را افزایش دهند و سود بیشتری به دست آورند، در جای خود بسیار قابل توجه است. چون این افراد با این گونه رفتارها، سلامت عمومی جامعه و جان مصرف کنندگان را با تهدید و خطر جدی روبه رو می کنند؛ به گونه ای که یکی از علت های اصلی مرگ مصرف کنندگان مواد مخدر در ایران ناشی از مصرف مواد مخدر و روان گردان ناخالص است.^۱ در قوانین جاری کشور نیز نصی بر تعیین کیفر شدیدتر برای این افراد وجود ندارد؛ حال آنکه، این رفتار قابلیت سرزنش پذیری بیشتر و خطرناک تری از عمده رفتارهای مجرمانه در حوزه عرضه جرائم مواد مخدر و روان گردان دارد.

این برداشت از مفهوم ماده مخدر و روان گردان در دادسراها و دادگاه های انقلاب اسلامی با این نقد منطقی روبه رو شده است که اگر در تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر، معنای عرفی مواد مخدر که معمولاً دارای ناخالصی است مدنظر قانون گذار بوده است، دیگر چه نیازی وجود داشت که مقنن خود را به فهرستی علمی مقید کند. به عکس، قانون گذار عالماً و عامداً قید خالص بودن را به لفظ مواد مخدر وارد نکرده است، زیرا معنای حقیقی ماده مخدر مدنظر وی بوده و ضرورتی به تصریح چنین قیدی احساس نشده است (زارع و صفری، ۱۳۹۱: ۲۰۴، ۲۰۶). به علاوه، اگر سیاست گذار جنایی عقیده به پاسخ گزینی بر مبنای میزان ناخالص مواد مخدر داشت همانند ماده ۱۰ لایحه قانون راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸/۰۳/۳۱ و تبصره ماده ۳ قانون مربوط به مواد روان گردان (پسیکوتروپ) که تعیین کیفر براساس میزان ناخالص در آن ها تصریح شده به روشنی به این امر در قانون مبارزه با مواد مخدر اشاره می کرد. تصریح نشدن این موضوع در این قانون بر اعتقاد نداشتن مقنن به پاسخ گذاری بر مبنای

۱. طبق آمار اعلام شده توسط دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۸ نزدیک چهار هزار نفر در اثر مصرف یا سوء مصرف مواد مخدر در ایران فوت شده اند (ایرنا-۱۳۹۹/۲/۹).

ناخالصی دلالت دارد. اصولاً نیز اشاره قانون‌گذار به ضروری نبودن تعیین خلوص در دو مقررۀ قانونی فوق، خود مؤیدی است بر لزوم وجود نص قانونی برای تعیین کیفر براساس میزان مواد مخدر عرفی (موردینی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۴۹).

۲-۱-۲. تفسیر موسع مقررۀ ماهوی

یکی از اصول تفسیری حاکم در حقوق کیفری درباره مقررۀ‌های ماهوی، اصل تفسیر مضیق است. این اصل از آثار مستقیم اصل قانونی بودن حقوق کیفری است. درواقع از الزامات وجود یک متن قانونی برای اینکه جرمی واقع شده و مجازات شود، این نتیجه مهم استنباط می‌شود که قانون مجازات باید تفسیر محدود داشته باشد، چراکه تنها قانون، حق محدود کردن آزادی افراد را با پاسخ به بعضی اعمال، با تهدید به یک مجازات دارد. قاضی نمی‌تواند با رنگ تفسیر به‌طور دلخواهانه اعمالی را که قانون‌گذار صریحاً پیش‌بینی و مجازات نکرده است، چیزی به قانون اضافه کند (استفانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۳). مقصود از تفسیر محدود آن است که در زمان تفسیر قانون کیفری در صورت مواجه شدن با تردید و دست نیافتن به منظور قانون‌گذار از طریق روش‌های مجاز تفسیری، قاضی به قدر متیقن از معنی مواد قانونی بسنده کند و از توسعه مفهومی و مصداقی آن خودداری می‌کند (ر.ک. قیاسی، ۱۳۹۹: ۱۷۶).

در خوانش امنیت‌گرایانه بر پایه تفسیر موسع از مفهوم مواد مخدر و روان‌گردان، لزومی به تعیین خلوص مواد مخدر یا روان‌گردان وجود ندارد. درواقع کارگزاران قضائی سیاست جنایی با توجه به اختیار تفسیر قانون براساس اصل هفتاد و سوم قانون اساسی، برداشت موسع از مفهوم این مواد را برگزیده‌اند. درست است که وظیفۀ قاضی در زمان تفسیر، معناگزینی از میان معانی ممکن یک مفهوم یا گزارۀ قانونی است (آقایی‌نیا و شجاعی، ۱۳۹۱: ۴۹)، اما این گزینش در انتخاب معنا بایستی مطابق با اصول تفسیر قانون کیفری باشد. در حالی که نحوه استنباط و طرز تلقی از مواد مخدر و روان‌گردان در قانون مبارزه با مواد مخدر برخلاف تفسیر روش‌مند در این زمینه است. ازجمله قواعد حاکم در تفسیر قانون کیفری ماهوی، تفسیر محدود قانون نامساعد، تفسیر قانون مبهم به نفع متهم و منع

توسل به قیاس در تفسیر قانون نامساعد است (ر.ک. امیدی، ۱۳۹۸: ۱۵۵، ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۷۷). براساس این قواعد، اولویت در تفسیر مقررۀ کیفری، دریافت معنای مورد نظر قانونگذار است و چنانچه برداشتی از موارد مدنظر قانونگذار حاصل نشود، مناسب‌ترین و موجه‌ترین برداشت، تفسیر محدود قانون نامساعد و تفسیر هر نوع شک معقول، به نفع متهم است. با وجود این اصول، اما رویۀ قضائی، معنای گسترده‌ای از مواد مخدر و روان‌گردان را مدنظر قرار داده و شک معقول راجع به لزوم یا عدم لزوم تعیین خلوص مادۀ مخدر یا روان‌گردان در جرائم مواد مخدر را به ضرر مرتکبان این جرائم معناگزینی کرده است. هر چند تفسیر موسع قانون کیفری یکی از قواعد پذیرفته‌شده در حقوق کیفری است، اما این قاعده که به منظور حسن اجرای عدالت و حداکثر حمایت از حقوق افراد وضع شده است، در زمانی کاربرد دارد که قانون، مساعد و ارفاق‌آمیز باشد. قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری و قوانین ماهوی ناظر به علل رافع مسئولیت کیفری، عوامل توجیه‌کننده، معاذیر معاف‌کننده و تأسیسات تعدیل‌کنندۀ کیفر از جمله قوانین ارفاقی هستند که به منظور حسن اجرای عدالت و حداکثر حمایت از حقوق افراد وضع شده‌اند و در مقام تفسیر می‌بایستی به طور موسع معنا شوند (همان: ۱۸۵). علاوه بر این، تعمیم معیار قابلیت مصرف در تبصرۀ مادۀ ۳ قانون مربوط به مواد روان‌گردان به تبصرۀ یک مادۀ یک قانون مبارزه با مواد مخدر در رابطه با مفهوم مواد مخدر، از موارد قیاس و نوعی قانون‌گذاری است که تمسک به آن برای توسعه حکم قانون ماهوی کیفری، امری مطرود و ناپسند است.

۲-۱-۳. اتکای مفروط بر گزارش ضابطان

یکی از پیامدهای توجه فراوان بر حفظ نظم و تضمین امنیت جامعه در گفتمان امنیت‌گرایانه در میان کنشگران نظام عدالت قضائی، ارزش‌گذاری فراتر از میزان اعتبار قانونی به گزارش ضابطان دستگاه قضائی است. این اعتباردهی خارج از استانداردهای قانونی، در پرونده‌های مواد مخدر بیشتر ملاحظه می‌شود؛ چراکه با توجه به نقش فعال ضابطان دادگستری در کشف این مواد، مواد مخدر کشف‌شده در پلیس مبارزه با مواد مخدر نگه‌داری می‌شود تا پس از توزین و مشخص شدن نوع آن در آزمایشگاه تخصصی این پلیس، گزارش مربوط به

مرجع قضائی ارسال شود. با توجه به پررنگ بودن نگاه امنیت گرایانه در میان ضابطان، اساساً آنان اعتقادی به تعیین خلوص مواد مخدر و روان گردان ندارند و با استناد به بخشنامه‌های سازمانی و استنباط‌های شخصی، گزارش کشف و توزین مواد مخدر و روان گردان را بدون تعیین خلوص به مراجع قضائی ارسال می‌کنند و حتی در مواردی از دادن پاسخ به مراجع قضائی در این زمینه امتناع می‌ورزند.^۱ بر همین اساس نیز در بیشتر موارد مقام‌های قضائی به‌خصوص در دادسراها و دادگاه‌های بدوی بدون تعیین درصد خلوص این مواد و تنها براساس نوع و وزن ماده مخدر یا روان گردانی که در برگ صورت جلسه تحویل و توزین پلیس مبارزه با مواد مخدر مشخص شده، مبادرت به رسیدگی و تعیین پاسخ می‌پردازند. این در حالی است که براساس تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱، گزارش ضابطان تنها به‌عنوان اماره قضائی می‌تواند یکی از نشانه‌های موجب علم برای دادرس باشد. حتی ماده ۳۶ قانون آیین داری کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۱ نیز اصل را بر عدم اعتبار گزارش ضابطان قرار داده و مقرر کرده است: «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و براساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم گردد». اما در فرایند رسیدگی در دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی در بیشتر موارد مشاهده می‌شود اعتماد و استناد به گزارش ضابطان بیش از یک قرینه و اماره، و در حد یک دلیل قانونی در عرض سایر ادله، در نظر گرفته شده است. اتکای بیش از اندازه به گزارش ضابطان تا آنجا در میان برخی مراجع قضائی پیش رفته است که با وجود اعلام نقص مرجع عالی به دادگاه تالی که براساس گزارش ضابطان اتخاذ تصمیم نموده، دادگاه بدوی در مقابل این امر مقاومت کرده و هم‌چنان براساس گزارش ضابط اتخاذ تصمیم کرده است. در پرونده‌ای با توجه به ادعای متهم مبنی بر افزودن تعدادی قرص پودر شده به ماده روان گردان موضوع پرونده، متامفتمین، و اعلام شعبه ۴۴ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۱۳۹۴/۱۱/۱۹-۹۴۰۹۹۷۹۲۵۸۰۰۵۱۲ برای رفع نقص و تعیین میزان درصد خلوص ماده مخدر کشف شده، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی بجنورد براساس دادنامه

۱. این موضوع توسط رئیس دیوان عالی کشور در جلسه هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور بیان شده است (ر.ک. مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۹۵ / ۲ / ۱۱۰۳).

شماره ۹۵۰۹۹۵۸۴۳۶۰۰۵۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۱ ضمن پیوست کردن نامه رئیس مبارزه با مواد مخدر فراجا، که طی آن اعلام شده است تعیین درصد خلوص مواد مخدر، وجاهت قانونی ندارد و در هیچ یک از آزمایشگاه‌های پلیس مبارزه با مواد مخدر کشور تعیین درصد خلوص انجام نمی‌شود، بدون رفع نقص اعلام شده از سوی شعبه دیوان عالی کشور، مبادرت به صدور حکم براساس میزان ناخالص ماده مخدر کرده است.^۱ البته در مواردی که ماده مخدر یا روان گردان در زمان تعقیب و کشف توسط مرتکب با مواد دیگری برای معدوم کردن، مخلوط شده و دارای اختلاط فیزیکی است، برای مثال بر روی زمین ریخته شده یا با آب مخلوط شده، این امر مورد توجه ضابطان و قضات قرار می‌گیرد و میزان ماده مخدر یا روان گردان از این مواد جدا و مشخص می‌شود.

۲-۱-۴. تفوق مصلحت عمومی بر حقوق فردی

اینکه هدف از وضع قواعد حقوقی، تأمین آزادی‌های فرد و احترام به شخصیت و حقوق طبیعی اوست یا تأمین سعادت جامعه و ایجاد نظم اجتماعی در زندگی مشترک افراد، امری است بنیادین که بنا بر فلسفه سیاسی حاکم بر هر جامعه‌ای، پاسخ متفاوتی را در بر دارد (ر.ک. کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۴۴۲). در حقوق کیفری با توجه به نوع رویکرد به چرایی مجازات و اهداف کیفر، پاسخ، نیازمند دقت نظر و حساسیت بیشتری است. چه اینکه، رسالت حقوق کیفری برآورده ساختن نیازهای اجتماعی و حفظ نظم عمومی است؛ در نتیجه جامعه خود را محق می‌داند که حقوق و آزادی‌های افراد را برای حمایت از اجتماع محدود سازد. هر چند که میزان این تضییق بستگی تام به نوع نظام حاکم و ایدئولوژی آن دارد.

با جستاری در نظام پاسخ‌دهی در قانون مبارزه با مواد مخدر ملاحظه می‌شود سیاست‌گذار جنایی با اتخاذ نظام تلفیقی در این قانون با هدف حمایت از جامعه و تحقق بازدارندگی، کیفرهای سخت و شدیدی در این نوع جرائم تعیین کرده است.^۲ هم‌چنان که

۱. درخصوص این آرا ر.ک. سامانه ملی آرای قضائی به آدرس <https://ara.jri.ac.ir>

۲. قانون‌گذار در قانون مبارزه با مواد مخدر درباره رفتارهای حوزه عرضه مواد مخدر، با هدف ارعاب و بازدارندگی، کیفرهای سخت و شدید را تعیین کرده است. درمورد وصف تکرار جرم، نظر به دفعات

از واژه «مبارزه» در این قانون و مرجع تصویب این قانون، که به دنبال مصلحت و نفع جامعه بوده است، برداشت می‌شود قانون‌گذار، مرتکبان جرائم مواد مخدر را به عنوان اشخاص غیرخودی و دشمن پنداشته که برای پیشگیری از وقوع جرائم این حوزه بایستی با آنها مبارزه کند. طرز تلقی قانون‌گذار از مرتکبان جرائم مواد مخدر، در فهم شخصی قاضیان مراجع ابتدایی در تفسیر قانون نیز مؤثر بوده است؛ به گونه‌ای که از نظر آنان برای مقابله با شیوع مواد مخدر و گسترده‌گی این جرائم و رعایت مصلحت جامعه، ضرورتی به تعیین خلوص مواد مخدر نیست. به عبارت دیگر، هرچند امنیت قضائی تابعان حقوق کیفری و حقوق فردی اشخاص درباره رسیدگی عادلانه و تناسب کیفر و بزه، تعیین خلوص مواد مخدر و روان‌گردان را ایجاب می‌کند، اما برای اینکه جامعه از خطر ارتکاب این جرائم مصون بماند و مصلحت و نفع عمومی حفظ شود، لزومی به تعیین خلوص این مواد نیست.

۲-۱-۵. رویکرد نص‌محور به قانون

هر قانونی هر چقدر نیز روشن نوشته شده باشد وقتی در مقام اجرا و اعمال قرار می‌گیرد، نیازمند تفسیر و معناگزینی است، زیرا در بسیاری موارد، متن قانون کامل نیست و جواب‌گوی نیازمندی‌های زندگی پیچیده انسان امروز نیست. اینکه قانون نمی‌تواند با توجه به قواعد مجرد و اعتباری‌اش پاسخ‌گوی همه وقایع حقوقی باشد، امری تردیدناپذیر است. پیش‌بینی وقایع گوناگون و متعدد از حد توان انسان خارج است؛ در صورت توانایی هم تعیین تکلیف همه آنها با عباراتی خالی از نقص، ابهام و اجمال غیرممکن است. این واقعیت، به همراه پیشرفت علوم و فنون و توسعه مستمر روابط و مناسبات اجتماعی، ضرورت تفسیر قانون را توجیه می‌کند (امیدی، ۱۳۹۹: ۳۱۹). تفسیر قانون بنابر مقام مفسر، زمینه‌های آن و رویکرد به قانون، انواع و اقسامی دارد (ر.ک. همان: ۳۲۰، ۳۲۱). اما اگر قاضی مفسر قانون باشد، بسته به اینکه وی درمورد نقش خود و ماهیت قانون و وظیفه



ارتکاب با تعیین کیفر اعدام یا حبس طولانی مدت به دنبال ناتوان‌سازی بوده است. درخصوص حالت اعتیاد نیز با رویکرد اصلاح و بازپروری تعیین پاسخ کرده است (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱: ۱۶۸). همچنین درمورد روح حاکم بر قانون مبارزه با مواد مخدر ر.ک. ساکی و کونانی، ۱۳۹۸: ۱۰۴-۱۰۵.

اجتماعی آن چگونه فکر می کند، ممکن است روش خاصی را به کار ببندد. از عواملی که به شکل بارز در ماهیت نظام حقوقی هر جامعه اثرگذار است، فلسفه و برداشت دادرس در زمینه علت وجود قوانین و نقش و کنش اجتماعی آنهاست. اگر قاضی قوانین را به عنوان امری ثابت و تغییرناپذیر بداند، هرگونه عدول از متن صریح آن را امری نامطلوب تلقی خواهد کرد. اما اگر قوانین را ابزاری بداند که باید برای تأمین منافع عمومی و تسهیل روابط اجتماعی به کار گرفته شوند، در این صورت به جای محدود شدن در الفاظ قانون، با تفسیر پویا و سازنده از قوانین و توجه به شرایط و مقتضیات متغیر جامعه، زمینه پیشرفت و تحول اجتماعی را فراهم خواهد آورد (صانعی، ۱۴۰۰: ۴۱۹، ۴۲۰). به نظر نگارندگان یکی از دلایلی که نزد مراجع قضائی ابتدایی به عنوان رویه غالب در رسیدگی به پرونده های جرائم مواد مخدر به طور ناخودآگاه وجود دارد، رویکرد نص محور و تحت الفظی در تفسیر واژه «مواد مخدر» در تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر است. براساس این نگاه، قضات نمی توانند شدت یا سختی قانون را تعدیل کنند، آنان فقط زبان قانون هستند (همان: ۴۲۴). این شیوه تفسیر که قاضی را به معنای لفظی قانون محدود می کند و او را در عبارات قانون متوقف می سازد، به قضاوتی مکانیکی منجر می شود که نمی تواند آرمان اصلی قضاوت، یعنی تحقق عدالت و انصاف را محقق سازد (ر.ک. کیوانفر، ۱۴۰۰: ۱۵۲). به عبارت دیگر، دادرس براساس این رویکرد تفسیری در حد یک ماشین محاسبه گر تنزل پیدا می کند. چون ماشین نیز می تواند پس از دریافت اطلاعات پرونده، داده ها را با قوانین مربوط تطبیق و رأی صادر کند (همان: ۱۴۷). در حالی که یکی از اهداف بنیادین قوه قضائیه براساس بند ۱۴ اصل سوم و اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد امنیت قضائی و تحقق عدالت است. تحقق این آرمان براساس این نحوه نگاه به قانون و خوانش از آن با چالش اساسی روبه روست.

۳. رویکرد مصلحت گرا

اساس تشریع احکام و قانون گذاری در حقوق اسلام، رعایت مصالح و مفاسد است. حتی برخی محققان بر این عقیده اند که شریعت بر عدالت، حکمت و مصلحت استوار است و هر

حکم یا تفسیر و تأویلی بایستی در راستای این مقاصد باشد و چنانچه از این سه به دور باشد، به مفسده و ظلم ختم خواهد شد که انتساب آن به شریعت قابل توجیه نیست (امیدی، ۱۳۹۸: ۳۱۱-۳۹۹). بر این بنیاد نیز حقوق اسلامی، مصلحت را به عنوان یکی از منابع وضع و استنباط احکام و یکی از اصول تفسیر، همواره مورد توجه قرار داده است. توجه به استصلاح (=استدلال مبنی بر مصلحت) در میان فقها و اندیشمندان اسلامی در تفسیر متون و قواعد فقهی نقش قابل توجهی دارد و آنان در استخراج و تفسیر احکام و قواعد، همواره به مصلحت به عنوان یک روش و ابزار انطباق نصوص با واقعیت‌های اجتماعی نظر داشته‌اند (وائل بن خلاق، ۱۴۰۳: ۱۷۲). نگرش مصلحت‌اندیشانه تا آنجا پیش رفته است که در مواردی با توسل به این نگرش برای رعایت مصالح برتر یا پیشگیری از ورود مفسده مهم‌تر، احکام ثانویه جایگزین احکام اولیه شده و مقررات عادی ناظر به اعمال کیفر، نادیده گرفته شده و تغییراتی در آن داده می‌شود. اجرا نشدن حد در دارالحرب، اجرا نکردن حد جلد که به هلاکت محکوم منجر شود و یا عدم اجرای حد در مورد بعضی اشخاص و اوضاع و احوال مختلف، از جلوه‌های بارز مصلحت‌گرایی در نظام کیفری اسلام است (ذوالفقارطلب و درویشی‌پور خرم‌آباد، ۱۴۰۱: ۱۶۹۱). درواقع مصلحت، علاوه بر اینکه در استنباط و فهم حکم، بایستی مدنظر دادرس قرار گیرد، بلکه توجه به آن، عواقب و جوانب اجتماعی و انسانی رأی او را نیز روشن می‌کند و یاری‌گر او در اتخاذ تصمیم مناسب و شایسته خواهد بود. براساس این رویکرد، دادرس باید پیش‌نگر و نتیجه‌نگر نیز باشد و بتواند آثار احتمالی تصمیم خود را تشخیص و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. مطابق این نگرش، قوانین ابزاری در دست دادرس است و او می‌تواند برای رسیدن به نتیجه‌ای که عادلانه و منصفانه است، مفاهیم قانونی را به‌طور مستمر بازخوانی کند و از آن‌ها خوانشی مصلحت‌اندیشانه ارائه دهد (انصاری، ۱۳۹۳: ۶۹).

درباره لزوم یا عدم لزوم تعیین خلوص مواد مخدر و روان‌گردان، هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور و برخی از شعب برخلاف رویه قضائی امنیت‌گرا، با صدور آرای، خوانش مصلحت‌گرایانه خود را در پاسخ‌گزینی در قبال جرائم مواد مخدر نشان داده است. این هیئت در رأی شماره ۲۵-۱۶/۶/۱۳۹۵ با موضوع اتهام نگهداری یک‌صد

و چهارده گرم هروئین، رأی شماره ۳۶- ۲۳ / ۹ / ۱۳۹۵ با موضوع نگهداری یکصد و ده گرم متامفتامین (= شیشه) و رأی شماره ۴۶- ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۹۵ با موضوع اتهام نگهداری چهارده و نیم گرم هروئین و نود و یک گرم متامفتامین این گونه مقرر کرده «براساس محتوای پرونده و گزارش آزمایشگاه پلیس مبارزه با مواد مخدر ... این امر مؤید وجود ناخالصی اشیای خارجی در مواد مکشوفه بوده که میزان ناخالصی‌های آن نیز تعیین نشده است و علاوه بر آن مقدار مواد مکشوفه اندکی بیش از حد نصاب قانونی موضوع تبصره یک بند شش ماده هشت قانون مبارزه با مواد مخدر می‌باشد که در چنین وضعیتی صدور حکم اعدام خالی از اشکال نیست و اکتفاء به قدر متیقن و رعایت احتیاط در دماء ایجاب می‌کند که میزان خالص ... (ماده مخدر) کشف شده در حد یک‌صد گرم تلقی و بر این اساس تعیین کیفر شود»^۱.

بر این اساس، هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور از تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر با وجود ابهام در اینکه آیا مفهوم مواد مخدر در این مقرر بر مبنای میزان خالص است یا ناخالص، با رویکردی مصلحت‌اندیشانه درباره جرائمی که در مرحله بدوی با مجازات اعدام روبه‌رو شده، مراد قانون‌گذار از ماده مخدر و روان گردان را میزان خالص آن تفسیر کرده است.

۳-۱. سنجش و تحلیل ادله

هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور از تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر تفسیر مصلحت‌گرایانه را مدنظر قرار داده و بر این بنیاد، مشخص شدن درجه خلوص

۱. درخصوص این آرا ر.ک. مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۵، بخش اول، ۷۲۸ و بخش دوم، ۱۳۲۱، ۱۰۶۹ و ۱۳۲۵. گفتنی است با بررسی مشروح مذاکرات و آرای هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور درباره لزوم تعیین خلوص ماده مخدر یا روان گردان از سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۴۰۱ تنها همین سه رأی از هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور اصدار یافته است و رویه قضائی غالب در شعب دیوان عالی کشور و سایر مراجع قضائی تعیین میزان درجه خلوص را ضروری نمی‌داند.

ماده مخدر یا روان گردان برای تعیین پاسخ کیفری را ضروری دانسته است. البته این تفسیر مصلحت‌اندیشانه تنها در مورد پرونده‌هایی اعمال شده که در مرحله رسیدگی با پاسخ اعدام روبه‌رو شده است. در ادامه به بررسی ادله این برداشت که برخلاف رویه قضائی است، پرداخته خواهد شد.

۳-۱-۱. اصل احتیاط در دماء

یکی از اصول و قواعد مشهور و تأییدشده فقه جزایی اسلام درباره مجازات مرگ، احتیاط در دماء است. براساس این قاعده، درباره امور مربوط به فوت انسان‌ها باید دقت شود و به گونه‌ای حکم، صادر و اجرا شود که یقین به حکم واقعی شرعی به وجود آید. پس اگر در حکم به مرگ انسان، شبهه وجود داشت، این شک، حکم یقین را دارد. گویا یقین وجود دارد که نباید حکم مرگ، صادر و اجرا شود، زیرا شبهه در مواردی که بنا بر احتیاط گذاشته شده است، جایگزین قطع می‌شود. مجرای این قاعده درباره نفوس و جان انسان‌هاست و قدر متیقن در اجرای آن، لزوم احتیاط در موضوع‌ها و احکام مربوط به جان انسان است؛ پس در شبهات حکمیه (= قانون‌گذاری) و شبهات موضوعیه (= اجرای حکم) به موجب این قاعده، عمل باید بر مبنای دلیل قطعی باشد و منظور از دلیل قطعی، ادله یقینی یا اماره است (کلانتری خلیل آباد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۰، ۱۳۲). با وجود نبود تصریحی به این قاعده در مقرره‌های تقنینی در حقوق ایران، نظر به پررنگ بودن خوانش‌های فقهی در میان اعضای هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور، آنان با تمسک به اصل احتیاط در دماء، رویکرد مصلحت‌گرایانه خود را در عدم ابرام کیفر اعدام در جرائم مواد مخدر، مدلل کرده‌اند. درواقع براساس طرز تلقی این هیئت، منظور از مواد مخدر و روان گردان، میزان خالص این مواد است و بایستی بر این اساس، مبادرت به تعیین کیفر شود. رویکرد هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور در ضرورت خالص بودن مواد مخدر یا روان گردان موضوع جرم انتسابی با استناد به قاعده احتیاط در دماء، به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به مصلحت عالی حفظ نفس است و مبتنی بر این اندیشه است که بزه معلول عوامل مختلف اجتماعی، روانی، اقتصادی و زیست‌شناختی است. بنابراین در پذیرش مسئولیت

مرتکب بایستی این کیفیات را دخیل دانست و نمی‌توان کیفر را اکسیر تمامی دردها دانست. یکی از اعضای هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور، براساس این نگرش، در هنگام مذاکره و رأی‌گیری درباره لزوم یا عدم لزوم تعیین خلوص مواد مخدر برای تعیین کیفر، چنین اظهارنظر کرده است: «با این مسائل نه جامعه اصلاح می‌شود و نه مبارزه صدق می‌کند ... اکثر موادی که دست مردم است ناخالص است، یعنی با نمک و استامینوفن و امثال این‌ها قاطی شده است. واقعاً ما چطوری می‌خواهیم احکامی چون اعدام و حبس ابد را در مقابل اجزای خارجی، مواد صادر کنیم» (مذاکرات و آراء هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۵، بخش دوم: ۱۰۶۴). درحقیقت اعضای هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور صدور حکم اعدام برای حمل یا نگهداری هروئین یا متامفتامین را که اندکی بیش از صد گرم بوده، برخلاف قاعده احتیاط در دماء دانسته و ضمن اعلام همسو بودن با طرز تلقی رایج دادسراها و دادگاه‌های بدوی از مفهوم مواد مخدر، در امر موضوعی پرونده مداخله کرده و وزن این مواد را در موضوع هر سه پرونده ذکر شده، به مجاز نپذیرفته‌اند و از اجرای قانون حیات‌گیر خودداری کرده‌اند.^۱ به بیان دیگر، قاضیان شعب کیفری دیوان عالی کشور نظر به اینکه برداشت و تفسیر مراجع بدوی از مفهوم مواد مخدر و روان گردان باعث صدور احکامی شده که پاسخ آن اعدام و اجرای آن جبران‌ناپذیر است، با تفسیری خلاقانه و نمادین، وزن این مواد را در حد یک‌صد گرم تلقی کرده و مراجع بدوی را به پذیرش چنین خوانشی از قانون مکلف کرده‌اند.^۲

۳-۱-۲. مطابقت با موازین قانونی

۱. شرح مذاکرات هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور به صراحت به این امر اشاره شده است که شعبه سی و هشتم دیوان عالی کشور در قبول فرجام‌خواهی، نگران اعمال مجازات جبران‌ناپذیر اعدام در قبال این میزان ماده مخدر و روان گردان و اعمال نشدن تخفیف در مجازات مورد درخواست دادگاه از کمیسیون عفو و بخشودگی بوده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک. مذاکرات و آراء دیوان عالی کشور، ۱۳۹۵/۱: ۷۲۰).

۲. درباره نقش قاضیان در رابطه با تغییر موضوع از طریق فرض قضائی ر.ک. جعفری تبار، ۱۴۰۰: ۲۰۱-۲۰۰.

در آرای صادرشده از هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور در رابطه با ضرورت تعیین کیفر بر مبنای خلوص ماده مخدر به بند پ ماده ۴۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ استناد شده است و آرای دادگاه‌های تالی به لحاظ مطابقت نداشتن با موازین قانونی نقض شده است. هرچند در بخش چهارم از قانون قبل درخصوص اعتراض آراء، اشاره و تصریحی به موازین قانونی نشده است، اما نظر به ذکر این عبارت در مواد ۱۴۲ و ۴۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری که در کنار موازین شرعی آمده است، به نظر می‌رسد مقصود از موازین قانونی، هنجارها و چهارچوب‌هایی است که به موجب قانون تعیین شده‌اند و سازنده حقوق موضوعه است. درواقع هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور با این تعبیر، بدون اشاره به مغایرت آرای فرجام‌خواسته با قانون خاص، بر این دیدگاه بوده که این آرا از استانداردها و اصولی که در قوانین تعیین شده، خارج شده‌اند. به بیان دیگر، پاسخ تعیین‌شده به علت مشخص نشدن میزان ناخالصی ماده مخدر یا روان‌گردان، برخلاف استانداردها و اصول حقوقی شناخته شده است. با وجود این امر، شایسته بود با توجه به پرونده‌های فراوانی که در دادسراها و دادگاه‌های انقلاب در رابطه با مواد مخدر و روان‌گردان هر روزه در حال رسیدگی است، دیوان عالی کشور براساس وظیفه نظارتی خود در اصل ۱۶۱ قانون اساسی برای ایجاد وحدت رویه قضائی که دارای جایگاه بنیادین در قانون اساسی است، اقدام می‌کرد (ر.ک. رفیعی، ۱۴۰۱: ۹). براساس ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور به هر طریقی آگاه شوند که با استنباط متفاوت از قوانین، آرای مختلفی صادر می‌شود مکلفند نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. با وجود این، هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور در موضعی منفعلانه و تنها در سه پرونده موضوع ضرورت تعیین درجه خلوص را مدنظر قرار داده است. به هر حال اگر هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور تعیین نکردن میزان خلوص مواد مخدر و روان‌گردان توسط مراجع قضائی ابتدایی را برخلاف موازین قانونی دانسته است، این امر نظر به معیار وزن ماده مخدر یا روان‌گردان در پاسخ‌گویی در جرائم مواد مخدری که کیفری غیر از اعدام برای آن پیش‌بینی شده است نیز بایستی مدنظر قرار می‌گرفت، زیرا

کیفر، کیفر است، چه اعدام باشد، چه حبس و چه جزای نقدی. براساس ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر میزان حبس، جزای نقدی و شلاق در مواد مخدر یا روان گردان تا سی گرم از دو تا پانزده سال حبس، یک میلیون و پانصد هزار تومان تا شصت میلیون تومان و ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق متغیر است. درواقع نظر به ضرورت تناسب بزه و پاسخ در مواد ۴، ۵ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر براساس وزن مواد مخدر یا روان گردان، قائل بودن به هر یک از برداشت‌های لزوم یا عدم لزوم تعیین خلوص این مواد نقش اساسی در پاسخ‌گزینی داشته و برای جلوگیری از بروز احساس بی‌عدالتی، ایجاد وحدت رویه قضائی مراجع قضائی در این باره بسیار ضروری است.

۳-۱-۳. قاعده درأ

یکی دیگر از دلایلی که مورد توجه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در خوانش مصلحت‌گرایانه از تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر مدنظر بوده، قاعده درأ است. براساس این قاعده که در ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ مندرج است، هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه و تردید قرار بگیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود. اما شبهه و تردید هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور در این خصوص چه بوده است؟ زیرا متهمان در پرونده‌های مطرح‌شده در هیئت عمومی شعب کیفری مدعی ناخالصی یا اختلاط ماده خارجی با موادی که از آن‌ها کشف شده در مرحله دادرسی و دادگاه نشده‌اند. براساس مشروح مذاکرات هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور درباره آرای صادرشده، به نظر می‌رسد چون در نتیجه آزمایش انجام‌شده در آزمایشگاه پلیس مواد مخدر راجع به مواد مخدر و روان گردان موضوع پرونده، عبارت «حاوی ماده مخدر یا روان گردان» ذکر شده است، این هیئت با مفهوم‌گیری از عبارت «حاوی»، اظهارنظر و پاسخ اعلام‌شده از سوی آزمایشگاه را مبهم و توزین انجام گرفته را دارای شبهه دانسته است. بر همین بنیاد نیز دادگاه‌های هم‌عرض را به نادیده گرفتن وزن مازاد بر یک‌صد گرم ماده مخدر و روان گردان موضوع پرونده ملزم کرده تا

مجازات براساس یک‌صد گرم، تعیین شود (ذبحی، ۱۴۰۰: ۸۳-۱۴۳). با این حال، لازم به توجه است که نظر آزمایشگاه درخصوص ماهیت و نوع ماده مخدر یا روان‌گردان، نظری تخصصی و کارشناسی محسوب می‌شود و همان‌گونه که هر نظر کارشناسی ممکن است دارای نقص یا ابهام باشد، در چنین مواردی اخذ توضیحات تکمیلی از کارشناس برای رفع ابهامات ضروری است. همچنین، ممکن است نظریه کارشناس مورد تردید قاضی یا قاضیان رسیدگی‌کننده قرار گیرد که در این صورت، بایستی این نظریه برای بررسی و اظهارنظر به متخصصان مرتبط با آن علم یا فن ارجاع شود. در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم پرونده مطابقت نداشته باشد، قاضی رسیدگی‌کننده موظف است با ارائه دلایل مستدل و مستند، نظر کارشناس را رد کند و موضوع را به کارشناس کارشناسان دیگری ارجاع دهد. با وجود لزوم رعایت فرایند مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص^۱، هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور با استناد به نظر آزمایشگاه درخصوص نتیجه آزمایش و تفسیر عبارت «حاوی»، آرای بدوی را نقض کرده است. این امر با وظایف قانونی دیوان عالی کشور در رسیدگی فرجامی به پرونده‌ها مغایرت دارد، زیرا هیئت مذکور با استنباط خود از عبارت «حاوی»، به این نتیجه رسیده که نظر آزمایشگاه درخصوص وزن مواد مخدر و روان‌گردان دارای نقص یا ابهام است. بر این اساس و با توجه به مفاد ذیل بند (پ) ماده ۴۷۰، ذیل قسمت دو بند (ب) ماده ۴۶۹ و تبصره ماده اخیر قانون آیین دادرسی کیفری، این هیئت می‌بایست پرونده را به یکی از شعب دیوان عالی کشور اعاده می‌کرد تا آن شعبه پس از نقض رأی، تمام نواقص تحقیقاتی را به طور تفصیلی بیان کند و پرونده را برای رسیدگی دوباره به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع دهد؛ نه اینکه بدون تعیین وزن دقیق ماده مخدر یا روان‌گردان، مراجع بدوی را به نادیده گرفتن مواد مخدر و روان‌گردان مازاد بر یک‌صد گرم ملزم سازد و آنان را به صدور حکم براساس یک‌صد گرم مکلف کند.

۳-۱-۴. قاعده تفسیر محدود قانون کیفری

۱. ر.ک. مواد ۱۶۵، ۱۶۳ و ۱۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری

با توجه به ابهامی که در نظر اعضای هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور درباره تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر در مورد خالص بودن یا نبودن ماده مخدر و روان گردان وجود داشته است، این هیئت با توسل به قاعده تفسیر محدود قانون کیفری منظور از این مواد را میزان خالص آن تفسیر کرده است. یکی از سنجش‌های قواعد تفسیر قانون کیفری، تفسیر محدود یا مضیق قانون نامساعد است. این قاعده که از آثار اصل قانونی بودن جرم و مجازات است در حقیقت به آن دسته از قوانین کیفری که رفتارهای مجرمانه و پیامدهای کیفری آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند و به وخامت وضع متهم در برابر دادگاه منتهی می‌گردد، مربوط می‌شود (امیدی، ۱۳۹۹: ۱۶۸). اصل ۱۶۱ قانون اساسی یکی از وظایف دیوان عالی کشور را نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم دانسته است؛ یکی از شیوه‌های این نظارت، کنترل تفسیرها و طرز تلقی مراجع قضائی از مواد قوانین کیفری درباره جرائم و کیفرهای آن و سنجش این امر با قواعد و اصول حاکم بر تفسیر است. بر این اساس، هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور تفسیر دادگاه‌های بدوی را در صدق عرفی مواد مخدر نپذیرفته است و این تفسیر را خلاف قواعد تفسیر و از جمله قاعده تفسیر محدود قانون کیفری دانسته است. برداشتی که مطابق با سنجش‌های قواعد تفسیر قانون کیفری و اصول حاکم بر آن است.

این نوع از تفسیر محدود و مطابق مبانی، در آرای برخی از شعب دیوان عالی کشور وجود دارد. برای نمونه در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۲۵۸۰۰۰۸۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۵ شعبه ۴۴ دیوان عالی کشور مقرر شده است:

نظر به اینکه مطابق تمامی مواد قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که قانون حاکم بر موضوع و مستند صدور آراء در زمینه جرائم مربوط به مواد مخدر می‌باشد، فقط میزان مواد مخدر، مؤثر در میزان مجازات بوده و چیز دیگر موضوع حکم مواد قانونی مذکور نیست. و در قانونی تصریحی به اینکه مواد غیرمخدر مخلوط با ماده مخدره موضوع حکم قانون نیز مشمول حکم قانون‌گذار می‌باشند و علی‌القاعده اطلاق نام هریک از مواد مورد حکم دلالت بر مورد حکم بودن مطلق ماده خالص دارد و ناخالصی‌های وارده در ماده مخدر را شامل نمی‌شود و با عنایت به اینکه دادگاه صادرکننده حکم که مدعی شده تعیین درصد خلوص مواد، وجاهت قانونی ندارد

مستند قانونی خود را اعلام نکرده‌اند ... بنابراین، فرجام‌خواهی ... را وارد دانسته و رأی صادره را خلاف مقررات قانون تشخیص مستند به بند ۴ شق ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری دادنامه فرجام‌خواسته را نقض و پرونده را جهت رسیدگی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌دهد تا پس از تعیین میزان دقیق ماده روان‌گردان خالص شیشه، موضوع اتهام محکوم علیه و بر مبنای مقادیر خالصه از این تخلیص مبادرت به صدور رأی نمایند.^۱

بر این اساس، شعبه ۴۴ دیوان عالی کشور استنباط دادگاه بدوی از مفهوم ماده روان‌گردان را که مبتنی بر صدق عرفی و قابلیت مصرف بوده مورد ارزیابی و بازخوانی قرار داده و نظر به احتمال وجود ناخالصی، این برداشت را برخلاف اصل تفسیر محدود قانون کیفری دانسته است. درواقع دیدگاه قاضیان شعبه ۴۴ دیوان عالی کشور بر این اساس استوار است که برای تحقق موضوع رکن مادی جرائم مواد مخدر، باید وزن مواد مخدر و روان‌گردان به‌طور قطعی و بدون تردید ناشی از ناخالصی‌ها مشخص شود و تفسیر صدق عرفی از آن، برخلاف اصل تفسیر محدود قانون کیفری است.

۳-۱-۵. پاسخ‌گزینی عادلانه

سیاست حاکم بر قانون مبارزه با مواد مخدر نظر به کیفرهای شدید تعیین شده بر رفتارهای عرضه مواد مخدر و روان‌گردان و تکرار این رفتارها، مبتنی بر رویکرد سخت‌گیرانه است. اعمال این سیاست در این قانون در پرتو نظریه بازدارندگی مجازات‌هاست. فرض اساسی این نظریه که ازجمله نظریه‌های فایده‌گرا (= نتیجه‌گرا) است، آن است که موجود انسانی، عاقل و اندیشمند است و در نتیجه به بررسی هزینه - فایده اعمال و اقدامات خود می‌پردازد. او موجودی حساب‌گر و در عین حال خواهان کسب حداکثر منفعت و حداقل مشقت است.^۲ بنابراین، وی قبل از ارتکاب جرم منافع حاصل از وقوع آن را با مضار و مصائب

۱. درخصوص این آرا ر.ک. سامانه ملی آرای قضائی به آدرس <https://ara.jri.ac.ir>

۱. البته این نظر درخصوص جرائم سازمان‌یافته، مجرمان به عادت (اعتیادی)، صغار، مجانین و نظایر آن‌ها قابل تسری نبوده و اطلاق آن خالی از اشکال نیست.

ناشی از کیفری که برای آن جرم تعیین شده، سنجیده و حسب ارزیابی اقتصادی و حساب‌گرانه ناشی از چنین هزینه - فایده‌ای به ارتکاب جرم پرداخته یا از آن منصرف خواهد شد. از این جهت، مجازات مهم‌ترین عامل مؤثر در ارزیابی و محاسبه بزهکار و در نتیجه، بازداشتن وی از ارتکاب جرم تلقی می‌شود. بدین ترتیب، در این نظریه، مجازات نه براساس شدت جرم یا میزان مسئولیت اخلاقی مرتکب آن، بلکه براساس قابلیت و کیفیت بازدارندگی آن از جرائم قابل وقوع در آینده، تنظیم و تعیین می‌شود (غلامی، ۱۳۹۶: ۱۲۷). اما این نظریه که در تار و پود مواد قانون مبارزه با مواد مخدر رسوخ کرده با عدالت شهودی (=خودپنداشت) اعضای هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور درباره پاسخ اعدام منطبق نبوده است. درواقع این هیئت، خوانش و تفسیر دادرها و دادگاه‌های ابتدایی از تبصره یک ماده یک قانون مبارزه با مواد مخدر را در صدق عرفی این مواد با برداشت عادلانه خود از این تبصره همراه ندانسته است. به بیان دیگر، اعضای این هیئت براساس واقعیت‌های موجود در پرونده‌های مواد مخدر که عوامل مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتکاب این جرائم نقش اساسی دارد، ابرام حکم محکومیت اعدام را با درک و احساس درونی خود از عدالت ناسازگار یافته‌اند. از نظر هیئت عمومی شعب کیفری، هدف حقوق، تحقق عدالت است، اما نه عدالت صرفاً قانونی در قالب کلمات خشک و بی‌روح، بلکه عدالت واقعی و عینی. درواقع براساس رویکرد این هیئت، دادر در مقام اعمال قانون بر مصادیق، باید عادلانه و منصفانه رفتار کند. بر این بنیاد نیز صدور حکم اعدام برای حمل و نگهداری مواد مخدر و روان گردان به میزان کمی بیش از صد گرم، ناعادلانه تلقی شده است و به علت مسدود شدن راه هرگونه تفسیر منصفانه توسط قانون‌گذار در قانون مبارزه با مواد مخدر که مبنای اصلی پاسخ‌گزینی در این جرائم را تنها نوع و وزن این مواد در نظر گرفته است، با رویکردی مصلحت‌اندیشانه به دنبال تأیید نکردن حکم اعدام بوده است.^۱ این طرز تلقی و برداشت از مفهوم مواد مخدر و

۱. نمونه‌های دیگری از این رویکرد هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور در نقض احکام اعدام صادرشده از سوی محاکم بدوی را می‌توان در رأی شماره ۱۲-۱۳۹۶/۴/۲۷ به علت احراز نکردن قصد توزیع و فروش سیزده کیلو و ششصد گرم هروئین در داخل کشور یا رأی شماره ۳۸-۱۳۹۸/۱۱/۱۵ به علت

روان گردان هر چند ناهماهنگ با سیاست حاکم در دادسراها و محاکم انقلاب اسلامی در سال‌های متمادی است، اما تلنگری به منصفانه نبودن مبنای پاسخ‌دهی قانون‌گذار در قانون مبارزه با مواد مخدر است. درحقیقت هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور، قانون‌گذار را در برابر این سؤال قرار داده است که چه تفاوتی میان شخصی که یک‌صد گرم ماده مخدر یا روان گردان را حمل یا نگهداری کرده با شخصی که اندکی بیش از این مقدار را همراه داشته، است؟ به گونه‌ای که در فرض اول شخص مستحق کیفر اعدام است و در فرض دوم با مجازات حداکثر پانزده سال حبس مواجه می‌شود. درواقع این هیئت خود را متعهد به این دانسته تا حتی‌الامکان تفسیری منصفانه از قانونی ناعادلانه داشته باشد و خوانش منصفانه خود را از این قانون اعمال و مراجع تالی را با آن همراه کند.

نتیجه

پاسخ به نقض هنجارهای کیفری در قبال عرضه مواد مخدر و روان گردان در قانون مبارزه با مواد مخدر بر پایه نوع مواد، میزان آن و چگونگی رفتار ارتكابی بنا شده است. در این میان میزان وزن این مواد در تعیین کیفر نقش بنیادین دارد، زیرا هر چه قدر وزن ماده مخدر یا روان گردان موضوع جرم ارتكابی بیشتر باشد، کیفر بیشتر را سبب خواهد شد. با توجه به عواملی همچون ممنوعیت مصرف مواد مخدر و روان گردان، متوازن نبودن قدرت خرید مصرف‌کنندگان با قیمت آن، مهارت متفاوت تولیدکنندگان و سودجویی افراد فعال در حوزه تولید، توزیع و فروش این مواد برای افزایش وزن مواد و کنترل بازار مصرف، بیشتر مواد مخدر و روان گردان موجود در کشور دارای ناخالصی است.

با بررسی سیاست جنایی قضائی ایران در حوزه پاسخ‌گزینی در جرائم مواد مخدر درباره لزوم یا عدم لزوم تعیین خلوص مواد مخدر و روان گردان، دو رویکرد امنیت‌گرا و مصلحت‌گرا ملاحظه می‌شود. رویکرد امنیت‌گرا که در رویه قضائی ایران غالب است، بر



وجود شبهه در اثبات سردستگی گروه مجرمانه برای حمل بیش از ۱۵ تن تریاک و حشیش را مشاهد کرد. درخصوص این آرا به ترتیب ر.ک. مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۹۶، بخش اول: ۳۸۰ و مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۹۸، بخش دوم: ۱۳۴۸.

حفظ امنیت جامعه و نظم عمومی تأکید دارد و مرتکب جرم را به عنوان یک تهدید برای جامعه تلقی می کند. این رویکرد مبتنی بر دلایلی که عنوان شد برای اطلاق عنوان مواد مخدر و روان گردان، صدق عرفی و قابلیت مصرف را کافی می داند. در این دیدگاه، تعیین خلوص مواد مخدر برای تعیین مجازات ضروری تلقی نمی شود، حتی با وجود آرای دیوان عالی کشور که بر لزوم تعیین خلوص تأکید دارند. این رویکرد با اصولی مانند احتیاط در دماء، درأ، تفسیر محدود قوانین کیفری و منع قیاس مغایرت دارد. در عمل، دادگاه ها با صدور آرای اصراری، از تبعیت از تفسیر هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور خودداری کرده اند، که نشان دهنده رسوخ عمیق نگرش امنیت مدارانه در رویه قضائی ایران است.

در مقابل رویکرد امنیت گرا، نگرش مصلحت گرایانه در میان برخی کنشگران قضائی، به ویژه در هیئت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور و برخی شعب آن، وجود دارد که بر لزوم تعیین خلوص مواد مخدر برای پاسخ گزینی تأکید می کند. این رویکرد بنا بر دلایلی که بیان شد، برخلاف گفتمان امنیت گرا، بر دقت و انصاف در تعیین کیفر و رعایت حقوق فردی تأکید دارد.

هرچند بنابر رویکردهای امنیت گرایانه، دریافت غالب کنشگران قضائی، لازم نبودن تعیین خلوص مواد مخدر است، اما برداشت دیدگاه مصلحت مدار در سطح هیئت عمومی شعب کیفری و برخی از شعب دیوان عالی کشور از مفهوم مواد مخدر، منصفانه، واقع بینانه و با اصول و قواعد تفسیر قانون کیفری همراه تر است. در واقع گرایش مصلحت گرا، نگاه یک سویه به مرتکب جرم نداشته و تعیین کیفر اعدام در قبال جرائم مواد مخدر آن هم براساس وزن مواد مخدر را با برداشت فقهی و خوانش عادلانه خود از کیفر منطبق ندانسته و عقیده دارد ارتکاب این گونه جرائم ناشی از عوامل مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و کیفر اعدام کارکردی در حل تمامی آن ها ندارد. البته برداشت مصلحت گرا نیز تنها در آرای که با پاسخ اعدام روبه رو شده است، ملاحظه می شود و این نقد به کنشگران قضائی در سطح دیوان عالی کشور وارد است که چرا با وجود هماهنگی

این دیدگاه با مبانی فقهی و اصول حقوق کیفری، در سایر جرائم مواد مخدر که پاسخی غیر از اعدام در قبال آن‌ها تعیین شده، چنین برداشتی اتخاذ نشده است.

از بیان مطالب مطرح شده این برآیند نیز حاصل می‌شود که تعیین کیفر براساس وزن مواد مخدر و روان گردان در قانون مبارزه با مواد مخدر، با توجه به حداقل اختیارات قضائی در پاسخ‌گویی، به تنهایی ملاک دقیق و عادلانه‌ای برای سنجش کیفر نیست و مغایر با اصل تناسب جرم و کیفر و اصل فردی کردن مجازات است. این گفتمان قانون‌گذار، نیازمند بازنگری براساس اصول دقیق و عالمانه کیفردهی است تا بر مبنای نقش مرتکب، استحقاق او و میزان سرزنش‌پذیری رفتار ارتكابی، پاسخ متناسب تعیین شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود: ۱. دیوان عالی کشور به وظیفه ذاتی خود در ایجاد وحدت رویه قضائی از طریق صدور رأی در هیئت عمومی درباره لزوم تعیین خلوص مواد مخدر اقدام نماید؛ ۲. سیاست‌گذار جنایی: ۱-۲. برای اشخاصی که مبادرت به افزودن مواد ناخالص به مواد مخدر می‌نمایند و از این طریق بهداشت عمومی و سلامت شهروندان را با خطر جدی مواجه می‌کنند، مجازات تعیین کند. ۲-۲. ضمن تعدیل معیار وزن مواد مخدر و روان گردان در تعیین کیفر و مشخص کردن اصول راهنمای پاسخ‌دهی براساس میزان خطرناکی و میزان نکوهش‌پذیری رفتار ارتكابی، میان افرادی که مواد مخدر را برای مصرف شخصی همراه دارند، با اشخاصی که به دنبال منافع اقتصادی‌اند، از جمله کسانی که به تولید، توزیع و فروش مبادرت می‌ورزند با تعیین درصد خلوص، کیفرگذاری کند.

منابع

الف) منابع فارسی

- آقائی‌نیا، حسین و علی شجاعی (۱۳۹۱)، «نقش دادرسان در تفسیر قانون جنایی»، **فصلنامه حقوق**، دوره ۴۲، شماره ۳.
- استقانی، گاتسون و ژرژ لواسور و برنار بولوک (۱۳۸۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- امیدی، جلیل (۱۳۹۸)، **تفسیر قوانین جزایی**، تهران: میزان.
- امیدی، جلیل (۱۳۹۹)، «تفسیر قانون»، **دانشنامه سیاستگذاری حقوقی** (مجموعه مقالات)، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی رئیس جمهور.
- انصاری، باقر (۱۳۹۳)، **نقش قاضی در تحول نظام قضائی**، تهران: میزان.
- ایروانیان، امیر (۱۳۸۸)، «سیاست جنایی؛ پیشینه تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها»، **تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)**، تهران: میزان.
- جعفری‌تبار، حسن (۱۴۰۰)، **دیو در شیشه در فلسفه رویه قضائی**، تهران: نگاه معاصر.
- ذبحی، حسین (۱۴۰۰)، **نقد و بررسی نگارشی، شکلی و ماهوی آرای اصراری و شبه‌های دیوان عالی کشور و دادگاه‌های انقلاب اسلامی در جرائم مواد مخدر و روان گردان**، جلد اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ذبحی، حسین (۱۴۰۳)، **شرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر در نظم حقوقی جدید**، جلد اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ذوالفقارطلب، مصطفی و حسین درویشی‌پور خرم‌آباد (۱۴۰۱)، «نقش مصلحت در تفسیر نصوص مجازات حدی»، **ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، دوره ۵، شماره ۱۱.
- رفیعی، محمدرضا (۱۴۰۱)، **ایجاد وحدت رویه قضائی**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- زراعت، عباس و مجید صفری (۱۳۹۱)، «لزوم یا عدم لزوم تعیین خلوص مواد مخدر در رسیدگی‌های کیفری»، **فصلنامه حقوق**، دوره ۴۲، شماره ۳.
- ساکی، محمدرضا و سلمان کونانی (۱۳۹۸)، «بایدها و نبایدهای حذف مجازات اعدام از جرایم مواد مخدر»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی**، دوره ۲۴، شماره ۸۷.
- شاملو، باقر (۱۴۰۳)، **سیاست جنایی**، تهران: میزان.
- شکوهی‌راد، صمد و تهمنه باهری (۱۳۹۸)، «تعیین جغرافیایی محل افزوده شدن ناخالصی‌های دارویی به هرویین‌های مکشوفه در استان فارس»، **فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی**، شماره ۴.

- صانعی، پرویز (۱۴۰۰)، **حقوق و اجتماع**، تهران: طرح نو.
- غلامی، حسین (۱۳۹۶)، **کیفرشناسی**، تهران: میزان.
- قناد، فاطمه و مسعود اکبری (۱۳۹۶)، «امنیت گرای سیاست جنایی»، **پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۵۱.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۹)، **روش تفسیر قوانین کیفری**، قم: بوستان کتاب.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۳)، **فلسفه حقوق**، جلد سوم، تهران: گنج دانش.
- کلانتری خلیل‌آباد، عباس، نفسیه متولی‌زاده و صدیقه گلستان‌رو (۱۳۹۵)، «احتیاط در دماء و کاربرد آن در حقوق کیفری»، **حقوق اسلامی**، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- کیوانفر، شهرام (۱۴۰۰)، **مبانی فلسفی تفسیر قانون**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- لازرژ، کریستین (۱۴۰۱)، **درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- محسنی، فرید (۱۴۰۰)، **جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مدنی قهرخی، سعید (۱۴۰۰)، **جامعه‌شناسی اعتیاد؛ از افیون تا کریستال**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۹)، «مجموعه تنقیحی قانون مبارزه با مواد مخدر و مقررات مربوط»، تهران: معاونت حقوقی ریاست جمهوری، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.
- موردینی‌نژاد، مسعود (۱۳۹۱)، **قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در نظم حقوق کنونی**، تهران: شرکت نشر بهینه فراگیر.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۴۰۱)، «درباره سیاست جنایی افتراقی»، دیپاچه در: لازرژ، کریستین، **درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- وائل بن خلاق (۱۴۰۳)، **تاریخ تنوری‌های حقوقی اسلامی**، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی.
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱)، **چرایی و چگونگی مجازات**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب) تصمیم‌های قضائی

- اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات هیئت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۹۷)، «مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۵»، بخش اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، اداره وحدت رویه دیوان عالی کشور.
- اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات هیئت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۹۷)، «مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۵»، بخش دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، اداره وحدت رویه دیوان عالی کشور.

- اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات هیئت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۹۸)، «مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۸»، بخش دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، اداره وحدت رویه دیوان عالی کشور.
- اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات هیئت عمومی دیوان عالی کشور (۱۳۹۹)، «مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۶»، بخش اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، اداره وحدت رویه دیوان عالی کشور.

